بررسی سندی و دلالی روایت «إن الله خلق آدم علی صورته»ـ مجید شاکر سلماسی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۲ ـ ۵۸

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]

بررسی سندی و دلالی روایت «إن الله خلق آدم علی صورته»

مجید شاکر سلماسی *

چکیده: این مقاله پژوهشی پیرامون سند و دلالت حدیث «ان الله خلق آدم علی صورته» می‌باشد. در این مقاله ابتدا سند و مفهوم حدیث بررسی می‌شود، سپس براساس مبانی توحیدی اسلام، به رفع ابهام حدیث که ناشی از مرجع ضمیر «صورته» است، پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روایت «إن الله خلق آدم علی صورته»، بررسی سندی، بررسی دلالی، تنزیه، تشبیه.

*. دانشجوی دوره دکتری رشته شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب shaker1361@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]

مقدمه

اساس اسلام – مانند تمام ادیان الهی- بر پایه توحید استوار است و اندیشمندان مسلمان همواره برای حفظ این اساس بنیادین، از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. برخی روایات که از طریق رسول خدا و امامان شیعه علیهم‌السلام وارد شده است، متشابه‌اند و در نگاه ظاهری رنگ و بوی تشبیه و تجسیم خداوند را در دل دارد، برخی از این روایات براساس سند، ضعیف هستند. ولی برخی دیگر وثاقت صدوری دارد و دلالت آن، نیازمند دقت نظر در معنی و مفهوم حدیث است، چرا که ظاهر این روایات متشابه است و احیانا با آموزه‌های توحیدی و غیرتوحیدی - که اساس اسلام بر آن استوار است – تعارض دارد. یکی از این موارد، روایت «إن الله خلق آدم علی صورته» می‌باشد که در منابع شیعه و سنی وارد شده است و ظاهر آن شبهۀ تجسیم و تشبیه دارد. ابتدا باید وثاقت صدوری این روایت مورد بررسی قرار گیرد که آیا اساسا چنین روایتی از سوی معصوم صادر شده است یا خیر؟ و بر فرض وثاقت صدوری آن، باید در مرحلۀ بعد دلالت آن بررسی شود که این روایت به چه معنا می‌تواند باشد و مرجع ضمیر در «صورته» که منشا تشابه روایت است، چیست؟ با بررسی سند و دلالت این روایت، جمع‌بندی کلی و نتیجه ارائه خواهد شد.

۱- حدیث «انّ لله خلق آدم علی صورته» در منابع شیعه؛

روایت «انّ لله خلق آدم علی صورته» در منابع شیعی ذیل، ذکر شده است؛

۱-۱- کلینی این حدیث را چنین روایت کرده است: «عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن أبیه عن عبدالله بن بحر عن أبی ایوب الخزاز عن محمد بن مسلم قال: سألت اباجعفر علیه‌السلام عما یروون أن الله خلق آدم علی صورته. فقال: هی صورة محدثة مخلوقة و اصطفاها الله و اختارها علی سائر الصور المختلفة، فأضافها إلی نفسه، کما أضاف الکعبة إلی نفسه و الروح إلی نفسه، فقال: بیتی، و نفخت فیه من روحی» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱، ۱۳۴)

۱-۲- شیخ صدوق در کتاب *التوحید* چنین روایت می‌کند: «حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال حدثنا أبوسعید الحسن بن علي بن الحسین السکري قال حدثنا الحکم بن أسلم قال حدثنا ابن علیة عن الجریري عن أبي الورد بن ثمامة عن علي علیه‌السلام قال: سمع النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله رجلا یقول لرجل: قبَّح الله وجهک و وجه من یشبهک، فقال صلی‌الله‌علیه‌وآله: مه! لا تقل هذا، فإن الله خلق آدم علی صورته» (صدوق،۱۳۹۸، ۱۵۲)

۱-۳- هم چنین شیخ صدوق در *التوحید* و *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام این روایت را با اندکی اختلاف چنین نقل کرده است: «حدثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمداني رحمه لله قال حدثنا علي بن إبراهیم بن‌هاشم عن أبیه عن علي بن معبد عن الحسین بن خالد قال: قلت للرضا علیه‌السلام یا ابن رسول الله! إن الناس یروون أن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: إن الله عزوجل خلق آدم علی صورته، قال صلی‌الله‌علیه‌وآله: قاتلهم الله، لقد حذفوا اول الحدیث. إن رسول الله مرَّ برجلین یتسابّان، فسمع أحدهما یقول لصاحبه: قبَّح الله وجهک و وجه من یشبهک، فقال صلی‌الله‌علیه‌وآله له: یا عبدالله لاتقل هذا لأخیک، فإن الله عزوجل خلق آدم علی صورته» (صدوق، ۱۳۷۸، ۱، ۱۲۰ – صدوق، پیشین، ۱۵۲)

۲- بررسی سند حدیث «انّ لله خلق آدم علی صورته»؛

۲-۱. روایت اول

مراد از عنوان «عن أبیه» در سند حدیث اول، محمد بن خالد برقی است که نجاشی وی را ضعیف شمرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۳۵). عبدالله بن بحر نیز متهم به غلو می‌باشد (خویی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۱۱۹) بنابراین سند روایت اول ضعیف می‌باشد.

۲-۲. روایت دوم

در کتب رجالی، از «حکم بن اسلم» و «حسن بن علي بن الحسین السکری» که در سند روایت است، ذکری به میان نیامده است و بر اساس ملاک متأخران، سند این حدیث، مجهول و در نتیجه ضعیف خواهد بود. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲، ۲۳۲ و ۴۵۴). بعلاوه دانشمندان علم رجال تصریح کرده‌اند که مقصود از ابن عیینه در این سند، سفیان بن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]

عیینه است و او را در شمار محدّثان عامّه محسوب کرده و روایاتش را غیرقابل اعتماد دانسته‌اند. (همان، ۵۰۰)

۲-۳. روایت سوم:

بررسی‌های رجالی، نشانگر صحّت سند حدیث سوم است. بنابراین، احادیث دیگری که با سند ضعیف در منابع شیعه آمده است، می‌تواند مؤیّدی برای حدیث سوم باشد که دارای سند صحیح است.

بنابر آنچه گذشت، وثاقت صدوری حدیث ثابت است، مضافا بر اینکه این روایت در منابع روایی اهل سنت نیز گزارش شده است (نیشابوری، ۱۳۳۴، ۸، ۳۲؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۷، ۱۲۵؛ احمدبن حنبل، ۱۳۱۳، ۲، ۲۴۴؛ عمروبن ابی عاصم، ۱۴۱۳، ۲۲۸)

۳- بررسی دیدگاه‌ها در مورد متن حدیث «انّ لله خلق آدم علی صورته»؛

۳-۱. شیخ صدوق معتقد است این روایت از طرف مشبّهه برای گمراهی مردم، تقطیع شده است. (صدوق، پیشین، ۱۵۲)

۳-۲. سیّد مرتضی، بعد از گزارش این روایت، پنج وجه در تبیین ضمیر «صورته» به شرح ذیل ذکر می‌کند:

۱) مرجع ضمیر در «صورته» آدم علیه‌السلام بوده و مقصود از آن، خلق دفعی آدم است. به این معنی که پیدایش آدم، دفعی است، بدون سپری کردن مراحلی که انسان از بدو انعقاد نطفه طی می‌کند، در این حدیث آفرینش آدم به صورت دفعی و کامل مورد اشاره قرار گرفته است.

۲) خلق انسان بر صورت خداوند، از باب تشریف است؛ یعنی همانطور که خدای متعال کعبه را از جهت تشریف، بیت خود خوانده، از همین جهت صورت انسان را نیز به جهت شرافت آن به خود نسبت داده است. چنانکه مضمون پاره ای از روایات نیز به این وجه دلالت دارد.

۳) ضمیر به همان فرد تقبیح شده برمی‌گردد که در روایت ذکر شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]

۴) مراد از این حدیث، آن است که آفرینش صورت آدم، فعل خداوند است.
۵) مقصود این است که خداوند، آدم را به همان صورت ابداعی آفرید و از صورت و حال دیگری نیافرید (شریف مرتضی، بی تا، ۱۲۸)

۳-۳. ابن جوزی به جز وجه چهارم، سایر وجوهی را که سیّدمرتضی ذکر کرده، آورده است (ابن جوزی، ۱۴۱۳، ۱۴۴)

۳-۴. سیّد ابن طاووس همانند صدوق قائل است که در این روایت، تقطیع و تحریف روی داده و روایت مزبور در اصل چنین است: «خلق الله آدم علی صورته التی صورها فی اللوح المحفوظ» یعنی «خداوند آدم را بر همان صورتی که در لوح محفوظ تصویر کرده بود، آفرید» (ابن طاوس، ۱۳۶۹، ۳۴). وی درباره این حدیث می‌نویسد: برخی از مسلمانان، بخشی از این حدیث را حذف کردند و آن را به این شکل درآوردند که «انسان را بر صورت خودش خلق کرده است» از این رو مسلمانان نیازمند تأویل حدیث شدند (همان، ۳۴) در نظر ابن طاوس، حدیث مورد نظر، گویای این حقیقت است که آفرینشِ انسان، مطابق همان صورتی است که خداوند در لوح محفوظ مشیّت کرده است. (همان)

۳-۵. نَوَوی با متشابه دانستن این روایت و لزوم حمل آن برخلاف ظاهر، سه وجه برای این حدیث بیان کرده است؛

۱) رجوع ضمیر به فرد تقبیح شده
۲) رجوع ضمیر به آدم
۳) رجوع ضمیر به خداوند، از باب تشریف؛ مانند ناقة الله و بیت الله (نووی، ۱۴۰۷، ۱۶)

۳-۶. ابن حجر با ذکر وجوه مختلف در معنای این روایت، «برگشت ضمیر به فرد تقبیح شده» را ترجیح داده است. (ابن حجر، بی‌تا، ۵، ۱۳۳)

۳-۷. توجّه به این توضیحات، می‌توان ادعا کرد که اندیشمندان مسلمان در مواجهه با این روایت می‌کوشند درک صحیحی از حدیث ارائه کنند که با اصل توحید و عدم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]

تشبیه سازگار باشد. چنانکه توضیح و شرح ایشان دربارهٔ این حدیث، به گونه‌ای است که رجوع ضمیر به خدا نباشد؛ بلکه با در نظر گرفتن جهتِ صدورِ حدیث، مرجع ضمیر را «فرد تقبیح شده» دانسته‌اند، یا اینکه آن را مربوط به «صورتی منتخب و برگزیده» بیان داشته‌اند که مخلوق خداست و خدا از جهت تشریف، آن را به خود نسبت داده است، یا آنکه خداوند، انسان را مطابق صورت و ماهیّتِ خودِ انسان آفریده است؛ این سه وجه که مورد تایید روایات دیگر نیز هست، می‌رساند که نباید تشبیه و تجسیم در مورد خدا مطرح شود و هیچ گونه تشبیهی بین خدا و خلق وجود ندارد.

۴- جمع‌بندی

در روایت کلینی از امام باقر علیه‌السلام، اضافهٔ صورت به خداوند، اضافهٔ تشریفی است؛ یعنی به جهت شرافت صورت انسانی، خدا آن را به خویش نسبت داده است؛ حال آنکه سایر روایات شیعه، ناظر بر تقطیع و تحریف حدیث و رجوع ضمیر به «فرد تقبیح شده» است.

مرحوم مجلسی، سند حدیث کلینی را ضعیف شمرده و در زمینه روایات دیگر می‌نویسد: شاید امام باقر علیه‌السلام، این جواب را با فرض عدم تقطیع حدیث داده باشند یا اینکه به جهت تقیّه، نخواسته متعرّض نفی حدیث شوند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲، ۸۴). این دیدگاه علامه مجلسی زمانی قابل قبول است که فضای حاکم بر جامعه شیعه در دورهٔ امام باقر علیه‌السلام را فضای اختناق و تقیه بدانیم که امام در چنین فضایی ناگریز شده حدیث را به گونه‌ای بیان کند که با تعالیم توحیدی اسلام، سازگار باشد و مخالف روایات مخالفین نیز نباشد.

آیت‌الله جوادی آملی در جمع این احادیث بیان می‌دارد که ضمیر در «صورته» به همان صورت مخلوق و منتخبی برمی‌گردد که خداوند، به جهت تشریف، به خود نسبت داده است؛ به عبارت دیگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، از آن رو از ناسزا گفتن به صورت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]

انسان‌ها نهی کرده‌اند که صورت انسان، به سبب گزینش الهی، محترم و شریف است (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

این دیدگاه، از آن جهت که اعتراض امام رضاعلیه‌السلام مبنی بر حذف صدر حدیث، وجهی ندارد قابل قبول نیست؛ بدین بیان که حضرتش می‌فرماید تقطیع در روایت، باعث شده است که مرجع ضمیر مشخص نباشد و عدم تشخیص مرجع ضمیر، موجب فهم نادرست از روایت شده است؛ در حالی که در صورت رجوع ضمیر به خدا، نیازی به تذکّر امام‌علیه‌السلام نخواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجّه به فضای حاکم بر دوره امام باقرعلیه‌السلام و روش ایشان در رعایت تقیّه، سخن علامه مجلسی به واقع نزدیکتر است؛ البته در هر وجه، رجوع ضمیر به خداوند نخواهد بود؛ بلکه مرجع ضمیر، «صورت برگزیده» و یا به «فرد تقبیح شده» خواهد بود.

منابع

ابن جوزی، عبدالرحمن، *دفع شبه التشبیه*، دار الامام النووی اردن، ۱۴۱۳.
ابن حجرعسقلانی، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، دار المعرفه بیروت، بی تا.
ابن طاوس، علی بن موسی، *سعد السعود*، انتشارات دار الذخائر قم ، ۱۳۶۹.
احمد بن حنبل، *مسند احمد*، میمنة مصر، ۱۳۱۳.
بخاری، ابوعبدالله، *صحیح بخاری*، دارالفکر بیروت، ۱۴۰۱.
جوادی آملی، عبدالله، *درس تفسیر*، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، (www.esraa.ir)
خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، مدینة العلم ۱۴۰۳.
شریف مرتضی، علی بن حسین، *تنزیه الانبیاء والائمه*، انتشارات شریف رضی قم، بی تا.
صدوق، محمد بن علی، *التوحید*، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸.
_____، *عیون اخبار الرضا*، نشر جهان تهران، ۱۳۷۸.
عمرو بن عاصم، *کتاب السنة*، مکتبة الاسلامیة بیروت، ۱۴۱۳.
کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۵.
مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، مؤسسة الوفاء بیروت، ۱۴۰۴.
نجاشی، احمد بن علی، *رجال*، مؤسسة النشر الاسلامی قم، ۱۴۱۶.
نمازی شاهرودی، علی، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، نشر شفق تهران، ۱۴۱۲.
نووی، یحیی بن شرف، *شرح صحیح مسلم*، دارالکتب العربی بیروت، ۱۴۰۷.
نیشابوری، *صحیح مسلم*، انتشارات محمدبن صبیح و اولاده مصر، ۱۳۳۴.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.7.3]